

امنیت در سیره پیامبر اکرم (ص)

سرور حسینی^۱

امین الحق مصطفی^۲

چکیده

امنیت عبارت است از نبود تهدید نظامی برای ملت و یا توان نگهداری کشور از هجوم دشمنان و یا محافظت کشور در دفع تهدیدهای خارجی علیه حیات سیاسی و منافع ملی. اهمیت دادن مسلمانان به امنیت و استخبارات، آنان را از یورش ناگهانی دشمن مصون می‌دارد؛ زیرا با شناسایی نقاط قوت و ضعف خود و دشمن و تقویت نقاط مثبت خود، حیل‌های دشمن نقش بر آب خواهد شد. بر همین اساس امنیت در سیره پیامبر اکرم (ص) از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و ایشان تمامی اقدامات و فعالیت‌های امنیتی و استخباراتی خویش را براساس برنامه‌ای منظم و حساب‌شده انجام می‌داد و کاملاً می‌دانست که به زودی، روزی خواهد آمد که به دعوت آشکار مأموریت داده می‌شود که مرحله‌ای دشوار خواهد بود؛ بنابراین، برای پرورش چنین گروه مؤمن و سازمان یافته‌ای نیاز بود که ارتباط پیامبر اکرم با آنان ارتباطی گسترده و عمیق باشد و می‌بایست این ارتباط‌ها در مکانی خاص سازماندهی می‌شد و بر این اساس پیامبر اکرم و یارانش خانه ارقم بن ابی ارقم را انتخاب نمودند؛ و همچنین رسول الله روش و منهج امنیتی خود را نهایتاً با احتیاط و دقت کامل تطبیق می‌کرد و می‌دانست که این مرحله به بعضی از تدابیر امنیتی احتیاطی ضرورت دارد، بنابراین رسول الله در قدم اول کسانی را دعوت کرد که با اعتمادترین اشخاص نزد رسول خدا بود.

واژگان کلیدی: امنیت، پیامبر، سیره، روش‌های امنیتی

^۱. دکتری علوم قرآن و عضو هیأت علمی دانشگاه بین‌المللی المصطفی (ص) افغانستان

^۲. ماستری علوم قرآن (نویسنده مسؤول)

مقدمه

مسئله‌ی برقراری نظم و امنیت و نظارت بر انتظام اجتماعی در جوامع بشری از دیر باز مورد توجه بشر بوده و هست. همه حکومت‌ها در راستای تأمین زندگی بهتر برای شهروندان خود از تشکیلات انتظامی و نظامی بهره جسته و بدین ترتیب برقراری امنیت یکی از ابزارهای مهم مشروعیت دولت‌ها و به‌عنوان مهم‌ترین مطالبه مردم از آنها در طول تاریخ مطرح بوده است.

امنیت در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی و فرهنگی از ضروریات جامعه است. بر همین اساس می‌توان گفت تأمین امنیت از مهم‌ترین وظایف و اهداف اساسی حکومت‌ها خواهد بود. امنیت در اندیشه پیامبر اکرم که فرصت حاکمیت سیاسی یافته است نیز جایگاه مهمی داشت و اقدامات امنیتی پیامبر اکرم در ابعاد مختلف مثل امنیت معنوی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و نظامی در سیره پیامبر وجود داشت که به شکل پراکنده در کتاب‌های مختلف سیرت پیامبر (زندگانی پیامبر) و خلفای راشدین و برخی کتاب‌های فقهی و غیره به شکل اجمالی مورد تفحص قرار گرفته است؛ اما در مورد امنیت در زندگی پیامبر پژوهشی به شکل یک کتاب یا رساله مستقل وجود ندارد و در مورد آن تحقیق صورت نگرفته است.

اهمیت امنیت به سبب ارزش و جایگاه عظیم آن در زندگی هر انسانی، عظیم‌ترین نعمت الهی دانسته شده است. آثار و برکاتی که برای امنیت بیان شده و می‌شود، خود بهترین شاهد در اهمیت و ارزش امنیت و آرامش در زندگی بشر است. البته انسانی که گرفتار ترس و مصیبت و فقدان امنیت شده باشد، قدر امنیت، عافیت و سلامت را خوب می‌داند و تلاش می‌کند تا دمی بدون آن زیست نکند. از این رو امنیت را از بزرگترین نعمت‌های الهی برشمرده‌اند.

با توجه به نکات یادشده، در این تحقیق سعی شده است به این سؤال که روش‌های امنیتی پیامبر چگونه است؟ پاسخ داده شود و هدف از این تحقیق بیان نمودن شیوه‌های امنیتی پیامبر اکرم و واضح نمودن اعمال امنیتی ایشان است.

۱. مفهوم‌شناسی

۱-۱. امنیت

امنیت در لغت به معنای در امان بودن، بی‌خوفی، ایمن شدن، بی‌هراس شدن، بی‌بیم شدن، اعتماد کردن، امین پنداشتن، رهایی از تشویش و اضطراب، اطمینان و سکون قلب است و امن ضد خوف می‌باشد و واژه‌های امان و امانت به لحاظ معنایی با آن بسیار نزدیک است (کوهستانی، ۱۳۹۶: ۲۳؛ دهخدا، ۱۳۳۷: ۳۳۷).

اصل امنیت، طمأنینه و آرامش نفس و از میان رفتن ترس و خوف است؛ و امن و امانت و امان مصدر هستند و به حالت و وضعیتی اطلاق می‌گردد که انسان در آرامش باشد. گاه نیز بر چیزهای اطلاق می‌شود که انسان بر آن امانت‌دار و امین است (نظری، ۱۳۸۹: ۱۵).

بی‌تردید اکثر مفاهیم موجود در عرصه‌های علوم اجتماعی به‌طور عام و مفاهیم سیاسی به صورت خاص فاقد یک تعریف دقیق که مورد قبول بیشتر دانشمندان این حوزه باشد، هستند، این اصل کلی در مورد مفهوم (امنیت) نیز صادق است در مورد این مفهوم، برخی گفته‌اند که امنیت یک نماد مبهم است و یا کلمه‌ای است با معانی فراوان، لذا باید قبول کرد که هیچ تعریف در مورد امنیت موجود نیست که در آن اجماع و یا اتفاق نظر باشد.

امنیت عبارت از مجموعه تدابیری است که دولت آن را به خاطر حفاظت و سلامتی دولت که افراد آن را تمثیل می‌کند و برای حفاظت ملکیت‌های مادی، فکری و انجازات (کشفیات) از سرقت و از بین رفتن تطبیق می‌کند و از ربودن اسرار دولت از دشمن جلوگیری می‌کند (احمد، ۱۴۲۷: ۸)

در یک جمع‌بندی نسبی می‌توان مدعی شد که مفهوم‌سازی امنیت در قالب دو رویکرد کلان «سلبی» و «ایجابی» امکان‌پذیر است.

مفهوم «امن» یا امنیت در اسلام بسیار وسیع بوده و کلمه امنیت به شکل ثلاثی مجرد «آمن» و مشتقات آن در قرآن و سنت نبوی آمده است و ۶۲ مشتق تا حدود ۸۷۹ بار در قرآن به کار رفته که از این تعداد کاربرد، ۳۵۸ مورد در آیات مکی و ۵۲۱ مورد آن در آیات مدنی استفاده شده است. این واژه (امنیت) ارتباط تنگاتنگ و محکم با کلمه‌های اسلام، ایمان و مؤمن دارد که نشان‌دهنده اهمیت فوق العاده مفهوم امنیت است. اما تعبیر قرآن از واژه «آمن» اکثراً ناظر به معنای لغویان است؛ و در یکی از احادیث جامع رسول الله به موضوع امنیت اشاره شده است، رسول الله می‌فرماید:

«هر یک از شما که از امنیت روانی (جانی) و سلامت جسمی برخوردار است و خوراک روزانه‌اش نزد او یافت می‌شود، گویا از تمام دنیا برخوردار است»

۱-۲. پیامبر

پیامبر که جمع آن پیامبران است، به نام‌های دیگر مثل رسول، فرستاده، پیغامبر، پیامبر، نبی و پیغمبر نیز یاد می‌شود و در ادیان توحیدی، به انسانی برگزیده‌ی گفته می‌شود که از جانب خداوند برای راهنمایی بشریت فرامین الهی به او وحی یا الهام می‌شود و ایشان دستورات الهی را به آدمیان ابلاغ می‌کند و در واقع پیام الهی را برای انسان‌ها می‌آورد. عنوان نبی در عربی، به معنای خبردهنده از ریشه نبأ (خبر) می‌آید و انبیاء جمع آن است. در اعتقادات دینی یهود، مسیحیان و مسلمانان نخستین پیامبر

همانا حضرت آدم است و به باور مسلمانان، آخرین پیغمبر حضرت محمد بن عبدالله، خاتم الانبیاء است (معین، ۱۳۸۸: ۲۹۵).

۲. روش‌های امنیتی پیامبر اکرم

مفهوم کلمه امنیت به معنای آرامش و در امان بودن به کار می‌رود و قرآن به مسئله امنیت اشاره کرده و آرامش همه جانبه اجتماعی مردم را وابسته به امنیت دانسته است؛ و این که جامعه اسلامی باید از امنیت کامل برخوردار باشد و مردم از لحاظ جسمی و هم از جهت اندیشه و فکر باید در امنیت باشند. امنیت در بالاترین سطح، جز در یک جامعه مذهبی و دینی امکان پذیر نیست. پیامبر اکرم در ایجاد امنیت، معنوی، فردی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و نظامی در جامعه خود از روش‌های امنیتی گوناگون استفاده کرده است که به‌طور تفصیلی آن‌ها در دو دور جداگانه، مکی و مدنی بیان خواهد شد.

۱-۲. مرحله اول: دوران مکی

پیامبر در سیزده سال اول بعثت در مکه، با مخالفینی روبه‌رو بود که از حادثه عام‌الفیل و شکست ابرهه، به نفع خود بهره‌برداری کرده و خود را آل‌الله و همسایگان الله نامیدند و بعد هم در اثر احساس قدرت به فساد و انحصارطلبی کشیده شدند. آنان از آیین توحیدی پیامبر که تضاد اعتقادی زیادی با آیین آنان داشت و در تعارض با نظام اجتماعی و اقتصادی آنان بود، احساس خطر می‌کردند. مخالفان با افزایش روزافزون مسلمانان، شروع به آزار و شکنجه آنان کردند. در اینجا بود که پیامبر برای تأمین امنیت جانی مسلمانان، از روش‌های مختلف امنیتی استفاده نمودند که به شکل مختصر بیان می‌شود:

در دوران مکی روش‌های امنیتی در دو مرحله جداگانه قابل بررسی است:

۱. مرحله دعوت پنهانی

۲. مرحله دعوت علنی

۱-۱-۲. روش‌های امنیتی مرحله اول

(الف) دعوت پنهانی

سری بودن و پنهان‌کاری دعوت از نشانه‌های بارز این مرحله به شمار می‌آید. پیامبر حتی از خویشاوندان نزدیک خود آن را پنهان می‌نمودند و رسول الله از برخی مسلمانان دسته‌هایی درست

می‌کرد که این دسته‌ها برای آمادگی و تمرین اسلام، پنهان می‌شدند، البته پنهان شدن آنان از روی ترس و بزدلی و خواری نبود؛ بلکه بر حسب آنچه برنامه الهی اقتضا می‌کرد پنهان می‌شدند. پیامبر اکرم یارانش را در قالب دسته‌های کوچکی سامان می‌داد. یک نفر و دو نفر وقتی مسلمان می‌شدند نزد فردی که قدرت و ثروت بیشتری داشت جمع می‌شدند و با او همراه می‌شدند و مخارج او نیز از آنجا تأمین می‌گردید.

زمان که رسول الله دعوت خود را به‌طور مخفیانه شروع کرد می‌دانست که این مرحله به بعضی از تدابیر امنیتی احتیاطی ضرورت دارد، بنابراین، رسول الله در قدم اول کسانی را دعوت کرد که با اعتمادترین اشخاص نزد رسول خدا بود و اولین کسانی که دعوت شده و دعوت اسلام را قبول کرده اشخاص ذیل بود:

بی بی خدیجه همسر رسول خدا، پسر کاکایش علی بن ابی طالب، زید بن حارثه و ابوبکر صدیق بود (مبارکپوری، ۱۳۸۱: ۱۳۲).

این افراد نزدیک‌ترین و با اعتمادترین کسانی بود نزد رسول الله که بدون تردید و شک و با آگاهی کامل دعوت اسلام را پذیرفتن و این چیزی بود که مرحله اول امنیتی به آن‌ها نیاز داشت این‌ها سرّ رسول خدا را نگه داشتند و در دعوت با رسول الله کمک کردند.

ب) انتخاب مکان مناسب (البیت الامن)

رسول الله استراتژی جدید و تکتیک‌های برجسته امنیتی و استخباری را به بنیان‌گذاری کرد و آن انتخاب مکان مناسب برای دعوت اسلام و جلسات امنیتی بود و مرکز خود را خانه ارقم (دار ارقم) برگزید و تبدیل به (بیت الامن) شد (ابن هشام، ۱۹۹۰: ۲۵۳). خانه ارقم به این دلیل انتخاب شده بود که کسی از اسلام آوردن ارقم اطلاعی نداشت، از این رو دشمنان فکر نمی‌کردند که پیامبر و یارانش در خانه ارقم با هم دیدار داشته باشند.

۲-۱-۲. روش‌ها و تدابیر امنیتی در دعوت علنی

بعد از مدت زمانی دعوت مخفی و سری به دعوت آشکار تبدیل شد که این تحول بزرگی در دعوت بود و در این مرحله به تدابیر امنی و استخباری جدید و متحول نیاز بود؛ زیرا قریش و دیگر قبایل هم به‌طور قاطع مبارزه با پیامبر اسلام را شروع کردند که هر دو طرف از تدابیر امنیتی گوناگون استفاده می‌کردند که به برخی آن‌ها اشاره می‌شود:

اولین ابزار مبارزه قریش در مقابل مسلمانان، تعذیب معنوی یا جنگ روانی بود که در این روش از شایعات، تحقیر و تمسخر استفاده می‌کردند تا به روحیه مسلمانان آسیب برسانند.

در این مورد خداوند در کتاب خود می‌فرماید:

«وَقَالُوا يَا أَيُّهَا الَّذِي نُزِّلَ عَلَيْهِ الذِّكْرُ إِنَّكَ لَمَجْنُونٌ» (حجر / ۶)

و (کافران) گفتند: ای کسی که «ذکر» (قرآن) بر تو نازل شده، تو به یقین دیوانه‌ای!

«وَعَجِبُوا أَنْ جَاءَهُمْ مُنْذِرٌ مِنْهُمْ وَقَالَ الْكَافِرُونَ هَذَا سَاحِرٌ كَذَّابٌ» (ص / ۴)

آنها تعجب کردند که (پیامبر) انذارکننده‌ای از میان خودشان به سوی‌شان آمده؛ و کافران گفتند: «این ساحر بسیار دروغگویی است».

«وَإِنْ يَكَادُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَيُزْلِقُونَكَ بِأَبْصَارِهِمْ لَمَّا سَمِعُوا الذِّكْرَ وَيَقُولُونَ إِنَّهُ لَمَجْنُونٌ» (قلم / ۵۱)

نزدیک است کافران هنگامی که آیات قرآن را می‌شنوند با چشم زخم خود تو را نابود سازند و می‌گویند: «او به یقین دیوانه است».

وقتی مشرکان در جنگ روانی شکست خوردند شیوه‌های خود را تغیر دادند و شروع کردند به تعذیب جسمی، آزار و اذیت پیامبر و صحابه کرام‌شان، اما صحابه و پیامبر اکرم به صبر و استقامت جواب آن‌ها را دادند.

مشرکان وقتی در مبارزه با مسلمانان ناکام شدند، یک کمیته ۲۵ نفری را به سرپرستی ابولهب تشکیل دادند، این کمیته بعد از تفکر، تدبیر و مشورت حکم دشمنی قاطعانه را با پیامبر صادر کرد و همه‌شان وعده کرد که این حکم را عملی می‌کند که این حکم برای مسلمانان ناتوان و ضعیف به شدت آسیب‌آور بود؛ اما باز هم مسلمان با صبر و شکیبایی جواب مشرکان را دادند و مشرکان شکست خوردند. (مبارکپوری، ۱۳۸۱: ۱۶۲) مشرکان در جنگ روانی و جنگ روبرو با مسلمانان شکست خوردند، لذا شیوه‌های خود را تغیر دادند و راه گفتگو مستقیم و غیر مستقیم را با رسول الله انتخاب کردند.

سران قریش، بار اول نزد ابوطالب آمدند و او را به شدت تهدید کردند و این تهدید اشراف مکه بر ابوطالب بس گران آمد. شخصی را نزد رسول‌خدا (صلی الله علیه وسلم) فرستاد و ایشان را به خانه خویش فراخواند و به ایشان گفت: ای پسر برادر من، قوم و قبیله شما نزد من آمده‌اند و با من چنین و چنان گفته‌اند؛ رعایت حال من و خودتان را بکنید و مرا به وضعیتی که تاب تحمل آن را نداشته باشم

دچار نگردانید! پیامبر اکرم پنداشتند که عموی‌شان بنای سلب حمایت خویش را از ایشان دارد و در کار پشتیبانی و مدد رسانی آن حضرت ناتوان شده است؛ گفتند:

«یا عم، والله لو وضعوا الشمس فی یمینی والقمر فی یساری علی أن أترك هذا الأمر حتی یتظهره الله أو أهلك فیہ، ما ترکت.»

«عموجان، به خدا؛ اگر خورشید را در دست راست من و ماه را در دست چپ من بگذارند تا من این دعوت الهی خویش را، پیش از آنکه خداوند آن را پیروز گرداند، یا من خود در این راه از میان بروم، رها سازم، من دست از این کار نمی‌کشم!»

آنگاه اشک در چشمان‌شان جمع شد و گریستند و از جای برخاستند که بروند. چند قدمی که دور شدند ابوطالب ایشان را صدا کرد. وقتی به سوی وی بازگشتند، گفت: برو، برادرزاده عزیزم و هرچه می‌خواهی به گوی؛ که من به خاطر هیچکس و هیچ چیز دست از حمایت تو برنمی‌دارم (ابن‌هشام، ۱۹۹۰: ۱۶۵).

مشرکین وقتی در گفتگو غیر مستقیم شکست خوردند روی به گفتگو مستقیم آوردند و با رسول الله رو در رو صحبت کردند و در برخورد خویش با پیامبر اکرم و پیروان آن حضرت تجدید نظر کردند؛ در بار اول عتبه را نزد رسول خدا برای گفتگو فرستاد و در بار دوم سران قریش با رسول الله گفتگو کردند اما نتیجه‌ی مرتب نشد و مشرکین شکست خوردند (مبارک‌پوری، ۱۳۸۱: ۱۸۹).

سرانجام، مشرکان قریش در خیف بنی‌کنانه در وادی محصب اجتماع کردند و بر علیه بنی‌هاشم و بنی‌مطلب هم پیمان شدند، مبنی بر این که با آنان وصلت نکنند، دادوستد نکنند، همنشینی نکنند، معاشرت نکنند؛ به خانه‌های آنان وارد نشوند؛ و با آنان سخن نگویند؛ تا زمانی که رسول‌خدا را در اختیار آنان بگذارند تا بکشند. این پیمان‌نامه را در صحیفه‌ای نوشتند و با عهد و پیمان‌های محکم آن را تأیید کردند مبنی بر این که «هرگز درخواست صلح و سازش را از بنی‌هاشم نپذیرند و نسبت به آنان هیچ‌گونه مهربانی نکنند تا محمد را برای کشتن تسلیم آنان کنند». این نامه را بغیض بن عامر بن هاشم نوشت و رسول‌خدا به او نفرین کردند و دستش ناکار شد.

این پیمان‌نامه که تحریم اقتصادی و اجتماعی بر علیه بنی‌هاشم و بنی‌مطلب بود در درون خانه کعبه آویختند. به موجب این عهدنامه، خاندان هاشم و خاندان مطلب از دیگر قریشیان جداسازی شدند و در شعب ابی‌طالب زندانی شدند. بنابر مشهور، این واقعه در شب اول ماه محرم سال هفتم بعثت روی داده

است. دو سال یا سه سال، به همین منوال گذشت. در ماه محرم سال دهم بعثت، پیمان‌نامه نقض شد و محاصره برداشته شد.

رسول الله و صحابه‌شان در مقابل آزار و اذیت و شکنجه‌های، روحی، جسمی و اقتصادی مشرکین صبر کردند و استقامت از خود نشان دادند و پیروز شدند و مشرکین شکست خوردند.

ب) هجرت

۱. هجرت به حبشه

آغاز دشمنی‌های مشرکان مکه با مسلمانان، اواسط یا اواخر سال چهارم بعثت بود. ابتدا این خصومت‌ها خفیف بود؛ اما روز به روز و ماه به ماه شدت بیشتری می‌یافت؛ تا آنکه در اواسط سال پنجم سخت بالا گرفت و اقامت مسلمانان را در مکه غیرممکن گردانید. مسلمانان به این فکر افتادند که برای امنیت جانی مسلمانان چاره‌ای بیاندیشند، تا از این عذاب الیم نجات پیدا کنند. در همین اوضاع و احوال بود که آیاتی از سوره زمر نازل شد و اشاره به این داشت که مسلمانان می‌توانند راه هجرت را پیش گیرند و با صراحت اعلام می‌کرد که زمین خدا تنگ نیست:

«قُلْ يَا عِبَادِ الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا رَبَّكُمْ لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةٌ وَأَرْضُ اللَّهِ وَاسِعَةٌ إِنَّمَا يُوَفَّى الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ» (زمر / ۱۰)

بگو: ای بندگان من که ایمان آورده‌اید! از (مخالفت) پروردگارتان بپرهیزید. برای کسانی که در این دنیا نیکی کرده‌اند پاداش نیکی است؛ و زمین خدا گسترده است، (اگر تحت فشار سران کفر بودید مهاجرت کنید) که صابران اجر و پاداش خود را بی‌حساب دریافت می‌دارند.

رسول خدا می‌دانستند که أَصْحَمَةُ نَجَاشِی پادشاه یمن پادشاهی دادگر است و در مملکت او به کسی ستم روا نمی‌دارند؛ این بود که مسلمانان را دستور دادند به حبشه مهاجرت کنند و دین‌شان را از آسیب فتنه‌ها و آزارهای مشرکین و کفار دور سازند

در ماه رجب سال پنجم بعثت، نخستین گروه از صحابه پیامبر اسلام به حبشه مهاجرت کردند. این گروه متشکل از دوازده مرد و چهار زن بود. ریاست این گروه را عثمان بن عفان برعهده داشت (ندوی، ۱۳۹۶: ۲۳۳)

تدابیر امنیتی این سفر

این این گروه از مسلمانان در تاریکی شب کوچ می‌کردند، مبدا قریشیان از رفتن آنان باخبر شوند. ابتدا ناگزیر آهنگ دریا کردند و بندر شُعَیْبَه را مقصد خویش قرار دادند. دست تقدیر، دو کشتی بازرگانی عازم حبشه را پیش پای آنان قرار داد. قریشیان از خروج این عده از مسلمانان آگاه شدند؛ اما وقتی که

درپی یافتن آنان برآمدند و خود را به ساحل دریا رسانیدند، مسلمانان در نهایت امنیت سوار بر کشتی شده و از آنجا کوچ کرده بودند. این گروه از مهاجران مسلمانان در حبشه به بهترین وجه مورد استقبال و پذیرایی قرار گرفتند.

۲. مهاجرت به مدینه و برنامه‌ریزی پیامبر اکرم برای هجرت

از ام‌المؤمنین، عایشه، روایت است که پیامبر اکرم هر روز صبح یا شام به خانه ابوبکر صدیق (رض) می‌آمد تا این که روزی فرا رسید که در آن روز به پیامبر اکرم اجازه داده شد تا هجرت را آغاز نماید و از میان قومش از مکه خارج شود و در این روز بود که به هنگام ظهر پیامبر اکرم به خانه ما آمد. عایشه می‌گوید وقتی پیامبر اکرم وارد شد، ابوبکر صدیق از تخت خود که بر آن نشسته بود، کمی آن طرف‌تر رفت و پیامبر اکرم نشست و آنجا جز پدرم و من و خواهرم اسماء کسی نبود. آن گاه پیامبر اکرم فرمود: این‌ها را از نزد خود بیرون کن. ابوبکر گفت: ای پیامبر خدا، این دو دختران من هستند، پدر و مادرم فدایت باد چه خبر است؟ فرمود: به من اجازه داده شده است تا به قصد هجرت از مکه بیرون بروم. عایشه می‌گوید: ابوبکر صدیق گفت: من همراه‌تان خواهم بود؟ فرمود: آری تو همراهم خواهی بود.

سپس ابوبکر گفت: ای پیامبر خدا! این دو سواری را من برای همین منظور آماده کرده‌ام. آنگاه آن‌ها عبدالله بن اریقط مردی از بنی دیل بن بکر را که مشرک بود، اجیر کردند تا راهنمای آنان در این سفر باشد و آن‌ها سواری‌های خود را به او دادند تا این که زمان موعد خروج از مکه فرا رسید. وقتی پیامبر اکرم از مکه بیرون شد، کسی جز علی بن ابی‌طالب و ابوبکر صدیق و خانواده ابوبکر از ماجرا اطلاع نداشت. ابوبکر و پیامبر اکرم با هم قرار گذاشتند و از دریچه‌ای که پشت خانه ابوبکر بود، بیرون رفتند و این به خاطر آن بود تا حرکت آن‌ها کاملاً مخفیانه انجام گیرد تا قریش متوجه خروج آنان نشوند و مزاحمتی ایجاد ننمایند و از قبل با راهنمای خود قرار گذاشته بودند که پس از سه شب، همدیگر را در غار ثور ملاقات نمایند (صلابی، ۱۳۹۴: ۵۶۶).

با رسیدن رسول الله به مدینه دور مکی به پایان رسید و دور جدید (دوره مدنی شروع شد)

۲-۲. مرحله دوم: دوره مدینه

در دوره اول در مکه رسول الله تنها با مشرکین و قریش درگیر جنگ‌های اطلاعاتی و استخباراتی بود اما در دوره دوم با دو نوع مردم که عقاید گوناگون داشتند مواجه بود که عبارتند بودند از مشرکین و یهود و این دوره روش‌های امنیتی خاصی از خود دارد که به برخی آن‌ها اشاره می‌شود:

شیوه‌های امنیتی مسالمت‌آمیز و صلح‌طلبانه پیامبر در مدینه عبارت بودند از:

۱. بنای مسجد
۲. عقد اخوت و پیمان برادری بین انصار و مهاجرین.
۳. بستن قرارداد و پیمان دفاعی با گروه‌های موجود در یثرب، اعم از مسلمان، یهود و بت‌پرست.
۴. بستن پیمان عدم تجاوز، با سه گروه یهود (بنی‌قینقاع، بنی‌نظیر و بنی‌قریظه).
۵. پیمان عدم تعرض، با قبایل مختلف بیرون از مدینه.
۶. پیمان صلح حدیبیه با قریش (صلابی، ۱۳۹۴: ۶۳۱، ۶۵۷، ۶۸۶، ۷۴۲).

بنای مسجد

در اولین قدم در مدینه و اولویت مهارت‌های امنیتی رسول الله توحید مسلمانان با یک جبهه و یک نظام خاص بود. برای همین اولین کارش در مدینه ساختن یک مسجد جامع بود که مسلمانان را متحد ساختند و در بین‌شان اخوت، برادری، مساوات، محبت و انس ایجاد کرد. پیامبر اکرم در مدینه، مسجد بنا کرد تا شعائر اسلام که تاکنون با آن مبارزه می‌شد، آشکار گردد و در آن نماز بر پا شود، نمازی که انسان را با پروردگار جهانیان پیوند می‌دهد و دل را از آلودگی‌های زمین و چرخ‌های زندگی دنیا پاک می‌گرداند. (صلابی، ۱۳۹۴: ۴۶۵)

پیمان اخوت در مدینه

نظام برادری میان مهاجران و انصار در پیوند محکمی که امت را با یکدیگر مرتبط می‌ساخت، تأثیر گذاشت. پیامبر اکرم این ارتباط را براساس برادری کامل میان آن‌ها برقرار کرد. عملکرد مسلمانان موجب بقاء و استمرار این برادری که خداوند دین و پیامبرش را با آن یاری کرد، گردید تا این که میوه‌هایش را در همه مراحل دعوت در طول حیات پیامبر اکرم به بار آورد و اثر آن ادامه یافت و به هنگام انتخاب ابوبکر صدیق به عنوان خلیفه، انصار و مهاجران اتفاق نمودند؛ بدون این که در اتحاد و یکپارچگی مسلمانان رخنه‌ای ایجاد کنند و به شهوت سلطه‌طلبی و غریزه حکومت و فرمانروایی پاسخ مثبت بدهند؛ بنابراین، سیاست ایجاد اخوت بین مهاجران و انصار نوعی سیاست از پیش اندیشیده‌شده بود که پیامبر اکرم در راستای استوار نمودن دوستی و جای دادن آن در وجود و احساسات مهاجران و انصار اتخاذ کرده بود. همان مهاجران و انصاری که نه تنها برای حفاظت این دوستی و برادری بی‌خوابی کشیده بودند؛ بلکه برای اجرای بندهای آن از همدیگر پیشی می‌گرفتند (صلابی، ۱۳۹۴: ۵۸۷).

پیمان عمومی

سومین اقدام امنیتی اجتماعی پیامبر پیمان عمومی بود که بعد از ورود به مدینه با همه گروه‌های مردم مدینه بستند. مدینه، بافتی ناهمگون داشت و از گروه‌های مختلف تشکیل شده بود: دو قبیلهٔ اوس و خزرج که انسان‌هایی پاک‌دل، ساده و کشاورز بودند، یهودیان که در داخل شهر و حومهٔ آن قلعه داشتند و عموماً ثروتمند و رباخوار بودند و نبض اقتصادی شهر در دست آنان بود و اینک گروهی از مسلمانان مهاجر که پرورش‌یافتهٔ محیط مکه، عموماً تاجرپیشه که کشاورزی را حرفه‌ای پایین و پست می‌شمردند به جمعیت این شهر اضافه شده بود. پیامبر از این که آثار فرهنگ و تفکر غلط برتری نژادی در بعضی از آن‌ها هنوز وجود داشت نگران بود؛ از این رو با امضای این پیمان، هماهنگی و همبستگی‌ای در میان گروه‌های مختلف جامعهٔ مدینه به وجود آورد که به وسیله آن نخستین قانون اساسی یا بزرگ‌ترین قرار و سند تاریخی در اسلام شکل گرفت.

تدوین منشور قانون اساسی، برای جامعه مسلمان مدینه و دیگر گروه‌ها بر اساس مکتب اسلام بود، حقوق و حدود اجتماعی افراد و طبقات جامعه، اقلیت‌های دینی و سیاسی شهر و سیاست داخلی و خارجی حکومت، در آن مشخص شده بود و زندگی مسالمت‌آمیز و نظم و عدالت را در سایه حکومت دین مدار پیامبر تضمین می‌کرد و از بروز هرگونه تشنج و اختلاف فرقه‌ای جلوگیری می‌نمود و همه ساکنان شهر را، امتی واحد و شهر مدینه را شهر امن و حرم قرار داد. چند ماده مهم این پیمان به قرار زیر است:

۱. مسلمانان و یهودیان در پیروی از دین خود آزادند.
 ۲. امضاکنندگان پیمان، دفاع مشترک از مدینه را به عهده خواهند داشت.
 ۳. مرجع حل اختلافات احتمالی در میان امضاکنندگان این پیمان، محمد خواهد بود.
- بررسی سیر حوادث تاریخی نشان می‌دهد که بستن این پیمان، در حفظ آرامش و برقراری امنیت شهر به قدری مؤثر بود که تا بعد از جنگ بدر و فتنه‌انگیزی یکی از سه گروه یهودی مدینه، در سال دوم، هیچ تشنجی در میان مردم به وجود نیامد (صلابی، ۱۳۹۴: ۶۸۶)

پیمان عدم تجاوز

پیامبر اسلام علاوه بر پیمان عمومی که با همه گروه‌های مدینه امضا کرد، پیمان جداگانه‌ای نیز با سه گروه یهودی که رؤسای آن‌ها، حی ابن اخطب و کعب بن اسد بودند امضا فرمود.

در این قرارداد، سه گروه یهودی قین‌قاع، بنی‌النضیر و بنی قریظه متعهد شدند:

۱. با دشمنان اسلام همکاری نکنند و مرکب، اسلحه و ابزار جنگی در اختیار آنان قرار ندهند.

۲. هیچ گامی بر ضد پیامبر و مسلمانان بر ندارند و پنهان و آشکار، با زبان و دست ضرری به آنان نرسانند.

۳. اگر برخلاف این قرارداد عمل کنند، پیامبر حق هر گونه مجازات آنان را خواهد داشت. با بستن این پیمان‌ها، محیط داخل مدینه و اطراف آن از امنیت خاصی برخوردار شدند و پیامبر از امنیت داخل شهر آسوده‌خاطر گردید. اینک وقت آن رسیده بود که پیامبر تدابیر امنیتی خارج شهر و امنیت حکومت دینی خود را شروع کند و برای رویارویی با دشمنان خارجی آماده شود و مقدمات یک جامعه نوین اسلامی و حکومت دین‌مدار الهی را فراهم سازد (واقعی، ۱۳۶۶: ۳۶۷).

صلح حدیبیه

در سال ششم هجرت، پیامبر به اتفاق تعدادی از مسلمانان به قصد عمره از مدینه خارج شدند و به طرف مکه حرکت کردند. این سفر علاوه بر جنبه‌های معنوی، نوعی نمایش مذهبی بود که آثار تبلیغی زیادی دربرداشت؛ از طرفی توجه زائران و حاضران مکه را به دنبال داشت و از طرف دیگر فزونی یاران پیامبر را به رخ مشرکان می‌کشید. همچنین به آن‌ها می‌فهماند که این آیین مقدس و بزرگ، در آیین پیامبر نیز پذیرفته شده است و یک عبادت به شمار می‌آید که در صورت منع ورود آنان موجب نفرت مردم از مشرکان می‌شد. وقتی قریش از حرکت پیامبر آگاه شدند تصمیم گرفتند به هر نحو ممکن از ورود مسلمانان جلوگیری کنند. نیروی نظامی قریش، آنان را در سرزمین حدیبیه متوقف کرد. پیامبر به آنان فرمود که ما قصد عمره داریم و به هیچ وجه قصد درگیری و جنگ با شما را نداریم، اما مشرکان همچنان بر ممانعت از ورود پیامبر و یارانش اصرار ورزیدند. بعد از آمدن سه نماینده از طرف قریش و بی‌نتیجه بودن این دیدارها و شایعه کشته شدن عثمان (نماینده پیامبر (به سوی قریش)، پیامبر) برای تقویت روحیه یاران خود دست به یک تاکتیک درون گروهی زد و با مسلمانان پیمان پایداری بست که این پیمان بیعت رضوان و نیز بیعت شجره نام گرفت؛ و خداوند از شرکت‌کنندگان آن اعلام رضایت کرد.

سرانجام با آمدن سهیل بن عمرو نماینده قریش و مذاکره با پیامبر، پیمانی با آنان بسته شد که صلح حدیبیه، نام گرفت. هر یک از مفاد این صلح، پیروزی بزرگی برای پیامبر و مسلمانان به شمار می‌رفت و امنیت مالی، اعتقادی و جانی آنان را تا چندین سال آینده تأمین می‌کرد. از نتایج آن، به رسمیت شناخته شدن مسلمانان از طرف قریش، فرو ریختن دیوار آهنین بین آنان و مشرکان، رفت و آمد و ارتباط مردم مدینه و مکه، به وجود آمدن فرصت طلایی تبلیغ برای پیامبر و دعوت سران دیگر کشورها بود. در قرآن

از این صلح به عنوان فتح آشکار یاد شده است (صلابی، ۱۳۹۴: ۴۰۷)

ایجاد نیروی دفاعی نظامی

از مسائل مهم امنیتی در هر جامعه، تشکیل سپاه و تربیت نیروی کارآزموده رزمی و جنگی است که بتواند از مردم خود در مقابله با حملات دشمن و غارتگران و مهاجمان آن مرز و بوم دفاع کند. پیامبر نیز به عنوان یک حاکم سیاسی و با قدرت، این نیاز جامعه نوپای مسلمانان را احساس کرد و از این اصل دفاعی به خوبی استفاده نمود و نیروی مسلح و کارآزموده‌ای تشکیل داد و توانست به وسیله آنان، امنیت لازم را برای جامعه دینی خود فراهم کند. تصمیم پیشگیرانه پیامبر از آن جهت حائز اهمیت بود که مشرکان مکه، وقتی دستشان از مسلمانان کوتاه شد و دیگر نمی‌توانستند آنان را به خاطر اعتقاد اسلامی‌شان، تحت آزار و شکنجه قرار دهند، تصمیم گرفتند به مرکز اسلام هجوم ببرند. پیامبر برای مقابله با چنین حملاتی و در پی نزول آیه جهاد و اجازه دفاع، در اواخر سال اول هجرت، با نیروی کم و ادوات محدود جنگی هسته اولیه ارتش اسلام را پی‌ریزی کرد.

در روزهای اولیه، ستون‌های نظامی با نفرات اندک، برای مأموریت گشتی و نظامی فرستاده می‌شدند و هدف پیامبر از این مانورها، بالا بردن نیروی دفاعی نیروهای اسلام و نیز تهدید خطوط بازرگانی قریش بود، چرا که آسیب اقتصادی بر دشمن و ایجاد رعب و نگرانی در این حملات رزمی، به مراتب مهم‌تر از کالاهای به دست آمده، بود. از طرفی، هم نمایش قدرت رزمی مسلمانان و هشدار به مشرکان مکه بود تا به فکر حمله نظامی به مدینه نباشند و هم هشدار به دشمنان داخلی، برای این که از توطئه و ایجاد اختلاف بین مردم بپرهیزند. در برخی از این جنگ و گریزها، پیامبر با بعضی از قبایل اطراف، پیمان عدم همکاری با دشمنان اسلام را امضا می‌فرمود که در تاریخ از دو پیمان با قبیله بنی حمزه و بنی مؤلج یاد شده است.

نتیجه‌گیری

۱. پیامبر در کنار انجام رسالت و ابلاغ وحی الهی به مردم، به عنوان حاکم اسلامی و رهبر اجتماعی امت نوپای مسلمان از شیوه‌ها و روش‌های گوناگون برای ایجاد امنیت و آرامش همه جانبه جامعه اسلامی خود استفاده می‌کرد و خداوند در قرآن مجید رسول الله را الگویی نیک برای امت اسلام معرفی فرموده: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ» (احزاب ۲۱).

«به یقین برای شما در زندگی پیامبر خدا سر مشق نیکویی نیکویی بود»

۲. شایسته است که همه دولت‌های اسلامی در کشورداری و به خصوص تأمین امنیت اجتماعی در همه ابعاد آن رسول اکرم را الگوی خود قرار دهند و با استفاده از روش‌ها و ابزارهای نوین هر عصر،

ملت خود را از گزند خطرها و آسیب‌هایی که از ناحیه دشمن مستکبر متوجه آن‌هاست، در امان دارند،
خطراتی که گاه ناشی از اختلافات درونی و نفوذ نفاق در صفوف مسلمانان است و گاهی به سبب
تهدید و حملات دشمنان خارجی خواهد بود.

منابع

قرآن کریم

۱. ابن هشام، لابی محمد بن عبدالملک ۱۹۹۰ م، السیره النبویه، بیروت، الدار الکتب العربی.
۲. احمد، دکتر ابراهیم علی محمد ۱۴۲۷ هـ ق، فقه الامن و المخبرات، جامعه نایف العربیه للعلوم الامنیه.
۳. شهیدی، محمد معین سید جعفر ۱۳۷۷ هـ لغتنامه دهخدا، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم
۴. صلابی، دکتر علی محمد ۱۳۹۴ هـ ش، الگوی هدایت تحلیل وقایع زندگی پیامبر مترجم: هیئت علمی انتشارات حرمین: کتابخانه عقیده.
۶. کوهستانی، دکتر تورن جنرال محمد انور ۱۳۹۶ هـ نظام امنیتی، کتابخانه الکترونیکی امین
۷. مبارکپوری، صفی الرحمن، ۱۳۸۱ ش، سیره النبی ترجمه فارسی، الرحیق الختوم، مترجم: دکتر محمد علی فشارکی، کتابخانه عقیده.
۸. معین، محمد ۱۳۸۸ هـ ش، فرهنگ لغات معین، تهران، ناشر، اشجع - میکایل.
۹. نعمانی، شبلی و علامه سید سلیمان ندوی ۱۳۹۶ هـ فروغ جاویدان، مترجم: ابوالحسین عبدالمجید مرادزهی خاشی، انتشارات کتابخانه قلم.
۱۰. نظری، عبدالطیف ۱۳۸۹ هـ نگاه نرم افزاری به تهدیدات امنیتی افغانستان، ناشر: عرفان.
۱۱. واقدی، محمد بن عمر ۱۳۶۶ هـ المغازی، (تاریخ جنگهای پیامبر)، مترجم: محمود مهدوی دامغانی، دانشگاه تهران.

